

ماهیت هجای مصحف در سده‌های نخست اسلامی*

آلاء وحیدنیا**

چکیده:

گزارش‌های موجود در قدیمی‌ترین کتاب‌های تألیف شده در خصوص هجای مصاحف (همچون کتاب المَّقْنَع ابو عمرو الدانی)، کاربرد شیوه‌های املائی متفاوت یک واژه خاص در مواضع معینی از متن قرآن را امری قاعده‌مند و ثابت در جای‌جای مصحف معرفی می‌کند؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد هنگام کتابت متن قرآن باید از آن قواعد پیروی کرد. اما تطبیق بسیاری از گزارشات با شواهد متعددی از کهن‌ترین نسخه‌های قرآنی به‌جا مانده از سه قرن نخست اسلامی، گزارش‌های موجود در این کتاب‌ها را نقض کرده و نشان می‌دهد که کاتبان نخستین مصاحف قرآن در چگونگی املائی برخی از کلمات قرآن هم‌داستان نبوده‌اند. از سوی دیگر، مطالعه قواعد نگارش در نقوش و مکتوبات جاهلی سده نخست پس از اسلام نشان می‌دهد که کتابت مصحف در مواردی همچون اعجام گاه‌به‌گاه برخی حروف همسان‌نوشت، حذف یا اثبات الف میانی در کلمات، رسم تاء تأنیث با تاء کشیده یا به شکل مدوّر، جایگزینی الف ممدود با الف مقصور، مشابه این نقوش است و قاعده مُطَرِدی در شیوه اعجام و املائی کلماتی خاص، چه در کتابت مصاحف و چه غیر آن وجود نداشته است. بنابراین مشاهده چنین عملکردی از سوی کاتبان، گفته فرّاء را مبنی بر عدم التزام نخستین کاتبان عرب به یک شیوه واحد در کتابت تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

هجای مصحف / نسخه‌های کهن / رسم المصحف / کتابت قرآن

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۳، تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۵/۲۸.

ala.vahidnia@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران

همزمان با آغاز کتابت مصاحف و اهمیت درست‌خوانی متن قرآن از روی مصحف، بحث هجای مصاحف تبدیل به مسأله‌ای جدی در میان مسلمانان شد. نشان دادن صحت متن که به قرائت صحیحی از آن منجر شود، مسأله‌ای حائز اهمیت بود. علاوه بر آن، مسأله صیانت از متن اصلی قرآن بی هیچ کم و کاستی نیز در درجه نخست اهمیت قرار داشت. هر کدام از این امور منجر به پیدایش کتاب‌های زیادی با موضوع رسم مصحف یا هجای مصحف از همان سده‌های نخست اسلامی شد.^۱ قدیمی‌ترین کتاب‌هایی که امروزه در باب هجا و رسم مصحف در دست است، از ابن عمار مهدوی (د. حدود ۴۳۰)، ابن معاذ جهنی (د. حدود ۴۴۲)، ابوعمرو دانی (د. ۴۴۴) و سلیمان بن نجاح (د. ۴۹۶) به‌جا مانده است. با مطالعه این منابع، به نظر می‌رسد که هجا و رسم‌الخط تا حد زیادی، امری تثبیت شده بوده است و مصاحف با درصد بالایی، در چگونگی نگارش کلمات با یکدیگر مطابقت داشته‌اند و در درصد اندکی نیز شاهد اختلافات منطقه‌ای هستیم. آنچه را که منابع اسلامی از اختلافات موجود در مصاحف نقل کرده‌اند، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- **اختلافات متنی:** منظور از اختلافات متنی، اختلافاتی است که منجر به تغییر متن شود. اختلافات متنی را نیز می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) اختلاف مصاحف امصار که موارد معدودی از اختلاف میان مصاحف مناطق مختلف جغرافیایی سرزمین‌های اسلامی است که از قرآن‌های فرستاده شده به این مناطق نشأت گرفته است. این اختلافات در حد اضافه و یا کم شدن یک و یا نهایتاً دو حرف در کلمات معدودی از قرآن است (مواردی چون یا عباد/یا عبادی؛ یقول/و یقول؛ تجری تحتها/تجری من تحتها و ...) که امروزه می‌توان این اختلافات متنی را در مصاحف کهن مربوط به قرون نخست اسلامی مشاهده کرد.

ب) اما دسته دوم از اختلافات متنی مربوط به گزارش‌هایی است که در برخی از منابع اسلامی پیرامون اختلاف مصاحف برخی از صحابه با مصحف عثمانی نقل شده است. بررسی این گزارش‌ها مجالی دیگر می‌طلبد و در این مقاله در صدد طرح آن نیستیم.



۲- اختلاف در هجای کلمات: منظور از هجای کلمات، همان املا یا نحوه نگارش کلمه است؛ یعنی چگونگی املا و کتابت یک واژه، بی آنکه کم و کاستی در عبارت یا کلمه رخ دهد. مواردی از قبیل:

الف) حذف یا اثبات حروف الف، یاء و واو.

ب) قلب یک حرف به حرف دیگر همچون الف ممدود به جای الف مقصور در کلماتی چون علی/علا، اُتی/أُتا، حتی/حتا؛ تاء تأنیث با هاء یا تاء کشیده، رسم الف با حرف واو در کلماتی چون صلاة/صلوة، مشکوة/مشکاة، ربا/ربوا و مواردی دیگر از این دست.

ج) احکام همزه.

د) احکام مقطوع و موصول.^۲

آن طور که گفتیم، با مطالعه کتاب‌های به‌جا مانده در موضوع هجا و رسم مصاحف، این مطلب به ذهن متبادر می‌شود که کتابت مصحف جز در مواردی چند، امری قاعده‌مند بوده است. مثلاً گذاشتن الف میانی در برخی کلمات برای نشان دادن مصوت بلند /آ/ یا نگذاشتن آن در کلمات دیگر تقریباً در همه مصاحف ثابت است. یا اینکه نوشتن کلماتی مانند صلاة با الف یا با واو به شکل صلوة یا نگارش تاء تأنیث با هاء یا تاء کشیده و مواردی دیگر از این دست در کلماتی خاص، در جای‌جای مصحف تثبیت شده است. اما تطبیق گزارش‌های رسیده در این کتاب‌ها با واقعیت موجود در مخطوطات قرآنی به‌جا مانده از قرن نخست تا قرن چهارم اسلام، یعنی تا پیش از پیدایش کتاب‌های یاد شده، چنین قاعده‌مندی را نفی می‌کند که در زیر به چند نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم.

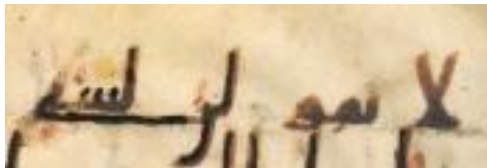
۱. شیء یا شای

ابوعمر و دانی در *المفنع* گزارش می‌کند که:

«قال محمد بن عیسی: رأیت فی المصاحف کلها شیء بغير الف ما خلا الذی فی الکهف، ۲۳ یعنی قوله «و لا تقولن لشیء» قال و فی مصاحف عبدالله رأیت کلها بالألف شیء قال أبو عمرو: و لم أجد شیئا من ذلک فی مصاحف أهل العراق و غیرها بألف.» (دانی، ۴۹)

همین گزارش را مهدوی و ابن معاذ نیز تأیید می‌کنند (مهدوی، ۶۳؛ ابن معاذ، ۴۷). اما این مطلب را نسخه‌های کهن قرآنی به هیچ وجه تصدیق نمی‌کنند، در جای‌جای بسیاری از نسخه‌های قرآنی می‌توان کلمه «شیء» را با املای «شای» ملاحظه کرد و هیچ شاهی بر اینکه فقط در این آیه از سوره کهف «شیء» با الف میانی کتابت شده است، وجود ندارد. نمونه‌های کتابت «شیء» با الف میانی در نسخه‌های کهن چنان فراوان است که با مطالعه ابتدایی نسخه‌های خطی قرون نخست، می‌توان تعداد زیادی از آنها را مشاهده کرد. در کتاب تاریخ قرآن نلدکه نیز به این مطلب اشاره شده است که در گروه قرآن‌های حجازی تقریباً همه‌جا می‌توان کلمه «شیء» را به صورت «شای» دید (نلدکه، ۵۸۹). در نسخه خطی Is 1615 در کتابخانه چستربیتی (دابلین، ایرلند) در آیات ۴۲ و ۶۲ عنکبوت، ۲۷ احزاب، ۳۹ سبأ، ۴۴ فاطر و ۱۲ و ۱۵ یس، املای «شای» در اصل نسخه نوشته شده است (دروش، ۱۲۷، پانویس ۱۰۱). در نسخه شماره ۱۸ آستان قدس^۳ رضوی نیز در آیات ۳۲، ۳۳، ۵۹، ۸۶ و ۱۲۶ نساء، ۵۴ کهف ۵۴ و ۴۱ مائده، کلمه «شیء» به صورت «شای» نوشته شده است. اما در جاهای دیگر مثل ۱۲۸ آل عمران، با املای جدید و به صورت «شیء» کتابت شده است. در نسخه شماره ۱۰ موزه ملک تهران^۴ نیز «شیء» در آیه ۵۷ سوره هود به صورت «شای» کتابت شده است.

موارد دیگر از این قبیل بی‌شمارند، حتی در نسخه We II1913 کتابخانه ملی آلمان در برلین^۵، الف میانی در آیه ۲۳ کهف از «شای» پاک شده است؛ یعنی مصحح هیچ دلیلی برای وجود این الف در اینجا نمی‌دیده و آن را به صورت «شیء» تصحیح کرده است.



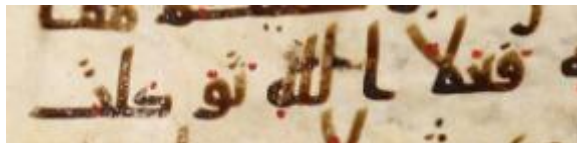
نسخه We II1913، برگه 113r^۶



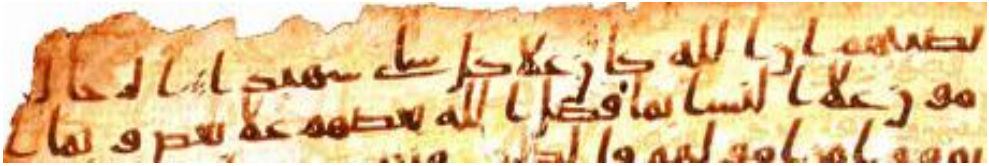
چنین نوسانی میان کتابت این واژه به صورت «شیء» یا «شای» را در نسخه‌های بسیار متأخر هم می‌توان مشاهده کرد. در قرآن موجود در گنجینه قرآن‌های خطی کاخ گلستان، به خط مرحوم محمدعلی تبریزی به سال ۱۳۱۱، می‌توان رأی شخصی کاتب را در نحوه رسم برخی از کلمات مانند «لشای» به جای «لشیء» یا «مثواه» به جای «مثنویه» مشاهده کرد که تصمیمات شخصی کاتب را حتی در قرن چهاردهم هجری در انتخاب نوع نگارش و هجای کلمات نشان می‌دهد (خسروی، ۶۱).

۲. علی یا علا

بی‌ثباتی در نگارش کلمه «علی» با الف مقصور یا الف ممدود و تصحیحاتی که کاتبان در این خصوص انجام داده‌اند، باز هم نشان از سیالیت املائی این واژه و واژه‌های مشابه آن در آن روزگار دارد. برخلاف این گفته مهدوی که «علی... مرسوم بالیاء فی جمیع القرآن» (مهدوی، ۵۴)، یا این گفته ابن نجاح، «کتبوا علی بالیاء این ما أتت، اذا کانت حرفاً» (ابن نجاح، ۷۵)، نسخه‌های به جا مانده از چند قرن نخست پس از اسلام نشان می‌دهد که نگارش این واژه‌ها میان نگارش با الف ممدود و الف مقصور سرگردان بوده است. مثلاً در مصحف منسوب به عثمان در موزه توپکاپی سرای^۷ اکثراً «علی» با الف ممدود به صورت «علا» نوشته شده است (برای مثال در برگه ۳۵۹/ب آیه ۲۷ سوره حدید). در موارد زیادی در نسخه ۱۸ آستان قدس رضوی، مثلاً در آیه ۷۱ سوره یونس، «علی» را با الف ممدود می‌بینیم. در لایه رویی پالیمسست صنعاء نیز می‌توان تعداد زیادی «علا» با الف ممدود دید. مثلاً در یک صفحه از این مصحف با نام بُنْهَامَز ۲۰۰۰^۸، که حاوی آیه ۳۳ تا ۴۳ سوره نساء است، در آیه ۳۳ و ۳۴ دوبار و آیه ۴۱ یک بار، می‌توان «علا» را با الف ممدود مشاهده کرد.



نسخه شماره ۱۸ آستان قدس، برگه ۸۷ رو^۹



بُنْهَامَز ۲۰۰۰، بَرِگَه، پِشْت بَرِگَه^{۱۰}

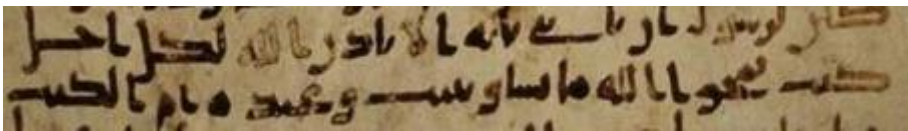
۳. الف میانی کلمات

معمولاً در کتاب‌های مربوط به رسم‌الخط مصاحف، بابتی مفصل به مسأله حذف یا اثبات الف در کلمات اختصاص داده‌اند و در آن، به بررسی کلماتی که الف میانی از آن حذف شده یا در آن ثابت شده است، پرداخته‌اند. پرداختن به تمامی این موارد در این مجال نمی‌گنجد. در اینجا به‌عنوان مثال، کلمه «کتاب» را بررسی می‌کنیم. ابو عمرو دانی گزارش می‌کند:

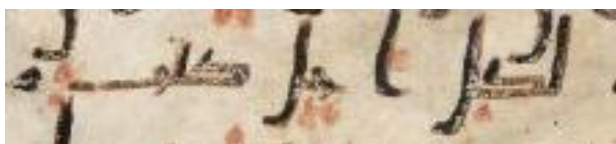
«و کل شیء فی القرآن من ذکر «الکتاب» و «کتاب» فهو بغیر الألف إلا فی أربعة مواضع أولها فی الرعد (سوره ۱۳ آیه ۳۸) «لکل اجل کتاب»، و فی الحجر (سوره ۱۵ آیه ۴) «إلا و لها کتاب معلوم»، و فی الکهف، (سوره ۱۸ آیه ۱۷) «من کتاب ربک»، و فی النمل (سوره ۲۷ آیه ۱) «تلك آیت القرآن و کتاب مبین» فأن الف فیهِ مرسومه.» (دانی، ۲۸)

همین مطلب عیناً توسط مهدوی نیز تکرار شده است (مهدوی، ۷۹).

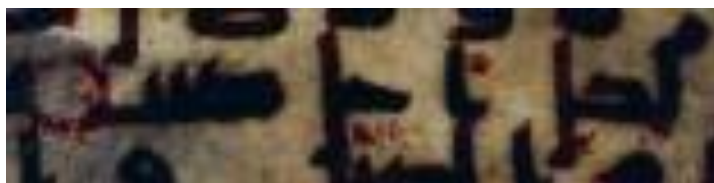
اما نگاهی به مخطوطات کهن در مواضعی که ذکر شده واژه «کتاب» با الف کتابت شده، چنین قاعده‌ای را نقض می‌کند. برای نمونه کلمه «کتاب» در آیه ۳۸ رعد، در نسخه‌های We II 1913 در صفحه 96r^{۱۱}، در نسخه or.2165 کتابخانه ملی بریتانیا^{۱۲} در صفحه 29b، در نسخه or.6814 لایدن در صفحه 21v^{۱۳}، در نسخه (a)^{۱۴} Arabe 328، برگه 51b، و در نسخه ms. Sanaa 10-?-a^{۱۵} بدون الف کتابت شده است.



ms. Sanaa 10-?-a^{۱۶}



نسخه We II 1913، برگه 96r^{۱۷}



نسخه or.6814 لایدن، صفحه 21v^{۱۸}

کلمه «کتاب» در آیه ۴ سوره حجر نیز در برگه 53b از نسخه Arabe 328a فرانسه، نسخه Or.2165 کتابخانه ملی بریتانیا، برگه 32a و همچنین در نسخه Wetzstein II 1919 (Ahlwardt 331)^{۱۹} بدون الف است.

۴. تاء تأنیث

در خصوص مسأله تاء تأنیث در کلمات مختلف قرآنی، مؤلفان کتاب‌های رسم مصاحف ادعا می‌کنند که کتابت تاء تأنیث با هاء مدور یا تاء کشیده در مصاحف تقریباً قاعده‌مند و ثابت است. مثلاً در مورد کلمه «النعمة»، دانی چنین گزارش می‌دهد:

«کل ما فی کتاب الله عزوجل من ذکر «النعمة» فهو بالهاء إلا أحد عشر حرفاً: فی البقره (۲۳۱) و فی آل عمران (۱۰۳) و فی المائده ۱۱، ابراهیم ۲۸ و ۳۴ و فی النحل، ۷۲، ۸۳ و ۱۱۴ و فی لقمان ۳۱ و فی فاطر ۳، و فی الطور ۲۹.» (دانی، ۸۲)

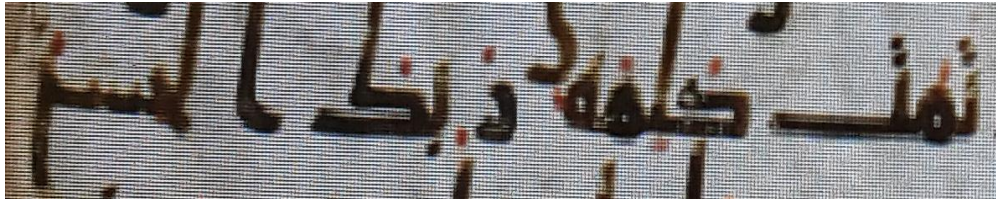
مهدوی نیز تأکید می‌کند:

«هی فی جمیع القرآن بالهاء، سوی احد عشر موضعاً فانها بالتاء.»

و عیناً موارد بالا را برمی‌شمرد (مهدوی، ۳۵).

این روند در مورد کلمات دیگری همچون «السنه» [موارد استثنا در انفال/۳۸، فاطر/۴۳ سه بار و غافر/۸۵] (مهدوی، ۳۶؛ دانی، ۸۳)، «اللجنة» [موارد استثنا در آل عمران/۶۱، نور/۷] (مهدوی، ۳۷؛ دانی، ۸۵)، «الکلمة» [تنها مورد استثنا در اعراف/۱۳۷] (مهدوی، ۳۶؛ دانی، ۸۳ و ۸۴) و غیره ادامه دارد. هرچند مصاحف زیادی از این قاعده

پیروی می‌کنند، اما موارد نقض نیز اندک نیستند. مثلاً در مورد اینکه در مصاحف همه جا «الكلمة» با هاء کتابت شده، به جز یک مورد در اعراف/۱۳۷ که با تاء کشیده کتابت شده، نسخه‌های زیادی این کلام را نقض می‌کنند. از آن جمله می‌توان به نسخه Arabe 328(a) و Arabe 330(g) کتابخانه ملی فرانسه،^{۲۰} نسخه ۱۸ آستان قدس رضوی و نسخه Or.2165 کتابخانه ملی بریتانیا اشاره کرد.



آیه ۱۳۷ اعراف در نسخه شماره ۱۸ آستان قدس رضوی^{۲۱}

فرانسوا دروش با بررسی قواعد نگارش در یک مصحف - که پاره‌های مختلف آن را در این مجموعه‌ها باید یافت: سن‌پترزبورگ، کتابخانه ملی روسیه، مارسل ۹ (۳۲ برگه)؛ پاریس، کتابخانه ملی فرانسه، Arabe 326a (۶ برگه)، مجموعه هنر اسلامی متعلق به ناصر د. خلیلی در لندن، KFQ 34 (یک برگه) و ۳۶ برگه دیگر که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ در شهر رن [فرانسه] فروخته شدند نمونه‌هایی از بی‌ثباتی در املاهای برخی کلمات را حتی در یک مصحف واحد نشان داده است:

«قواعد املاء میان رسم‌الخط کامل و ناقص در نوسان است. چنین می‌نماید که علی‌القاعده «قال» همواره بدون الف کتابت شده باشد (برای نمونه نک. یونس، ۲۸، ۷۱ و ۷۷)؛ اما «قالوا» گاه با املاهای ناقص (مثلاً در یونس، ۶۸ و ۷۶) و گاه با رسم‌الخط کامل (مثلاً در انفال، ۲۱، ۳۱ و ۳۲) نوشته شده است. این امر در باب واژه «عذاب» نیز صادق است که در انفال، ۵۰ یا توبه، ۳۹ و ۱۱۵ با املاهای ناقص، ولی در انفال، ۱۴ و ۳۲ یا یونس، ۵۲، ۵۴ یا الف نوشته شده است. در خصوص «بآیات» نیز همین وضع دوگانه حاکم است: در انفال، ۴۱ (دوبار)، توبه، ۹ یا یونس، ۱۷ با سه دندانه، اما در یونس، ۷۱، ۷۳ و ۷۵ با یک الف پس از یاء کتابت شده است. در نسخه سن‌پترزبورگ، کتابخانه ملی روسیه، مارسل ۹، برگه 6a، «شیء» ابتدا با املاهای جدید (انفال، ۷۲) و سپس



در انفال، ۷۵) با الف [شای] نوشته شده است؛ در جاهای دیگر این قطعه، هر دو املائی قدیم و جدید را می‌توان یافت (مثلاً در توبه، ۳۲ و ۱۱۵ در مقابل انفال، ۱۴ و ۳۲). در توبه، ۱۲۹ املائی قدیم «اله» با یک یاء که نشان دهنده /آ/ است، با تراشیدن دندان‌ه تصحیح شده است. افعالی مانند «رأی» در حالت سوم شخص جمع ماضی، همچنان بدون الف وقایه نوشته می‌شود (مثلاً در یونس، ۵۳ یا انفال، ۷۲)، حال آنکه کلمه «ذو»، الف انتهایی خود را [به صورت «ذوا»] حفظ کرده است (یونس، ۶۰ یا حدید، ۲۱). «(دروش، ۶۰)

مورد آخر، یعنی نگارش کلمه «ذو» با الفِ انتهایی را می‌توان در مصحف پاریس-پتروپلین،^{۲۲} نسخه شماره ۱۸ آستان قدس رضوی و موارد دیگر نیز مشاهده کرد. این در حالی است که ابوعمرو دانی ادعا می‌کند:

«و اتفقت المصاحف علی حذف الألف بعد الواو التي هي علامة الرفع في الاسم المفرد المضاف نحو قوله «لذو فضل»، «لذو علم»، «ذو عقاب»، «ذو العرش»، «ذو الجلال»، «ذو الفضل» و ما كان مثله حيث وقع.» (دانی، ۳۶)

تعداد این بی‌ثباتی‌ها در مخطوطات متعدد به جا مانده از قرون نخست هجری به حدی است که بر اساس آن می‌توان کلیتِ مورد ادعای کتاب‌هایی را که هجای مصاحف را امری قاعده‌مند در جای‌جای مصحف معرفی می‌کنند، نفی کرد. لااقل می‌توان مطمئن بود که در سه قرن نخست اسلامی، چنین قاعده کلی آن‌چنان که این کتاب‌ها نشان می‌دهند، در کتابتِ مصاحف رعایت نمی‌شده است و با مشاهده عدم یکنواختی در املائی مصحف، می‌توان پی‌برد که کاتبان مصاحف همگی در هجای برخی از کلمات قرآن هم‌داستان نبوده‌اند.

قواعد نگارش عربی در سده نخست هجری

از همان قرون نخست برخی از دانشمندان اسلامی متعرض مسأله هجای مصحف و ناهنجاری‌های موجود در آن شده‌اند؛ از جمله اینکه قرأء (د. ۲۰۷ق) با اشاره به مواردی از ناهنجاری‌های املائی در نگارش مصحف، علت آن را چنین بیان کرده است:

«أنهم لا يكادون يستمرون في الكتاب على جهة واحدة.» (قرأء، ۱/۴۳۹)

یعنی از نظر وی، کاتبان نخستین مصاحف به یک شیوه واحد عادت به کتابت نداشتند و این را از «سوء هجاء الأولین» (بدی هجای پیشینیان) می‌داند.

برخلاف آنچه که در کتاب‌های رسم مصحف در قرون بعدی مشاهده می‌شود که در آن شیوه املائی متفاوت کلمات در مصحف امری قاعده‌مند و ثابت تلقی شده است، دیدیم که کهن‌ترین مخطوطات قرآنی این گفته فرآء را که پیشینیان و نخستین کاتبان مصاحف به شیوه‌ای قاعده‌مند و ثابت کلمات را کتابت نمی‌کرده‌اند، تأیید می‌کند. حال پرسش این است که آیا این عمل پیشینیان از روی حکمت خاصی بوده و ایشان به عمد و سنجیده قرآن را به یک شیوه در قواعد املا نگارش نکرده‌اند یا خیر؟ بدین منظور باید نخست خصوصیات خط عربی را در آستانه ظهور اسلام و بازه زمانی پس و پیش از کتابت مصاحف عثمانی بشناسیم.

کتابت عربی با افزوده شدن شش صامت ویژه زبان عربی (ث، خ، ض، ظ، ذ، غ) که در خط آرامی وجود نداشت، بر ۲۲ حرف صامتی که الفبای فنیقی و از پی آن، آرامی بر آن استوار بود، شکل گرفته بود. این حروف پس از حروف هم‌سان‌نوشت و هم‌شکل خودشان در توالی ابجد الفبای آرامی قرار گرفتند. پژوهش‌های بسیاری شکل‌گیری کتابت عربی را از خط نبطی نشان داده‌اند.^{۲۳} بنابراین کتابت عربی تا حد بسیار زیادی متأثر از کتابت نبطی است. به گفته صلاح‌الدین منجد، کتابت نبطی دارای پنج ویژگی مهم است که به خط عربی منتقل شده است:

۱- مرتبط بودن حروف یک کلمه، مگر حروفی که با حرف بعدی خود متصل نشود؛ مثل دال، واو، راء.

۲- تغییر شکل برخی از حروف در اول یا آخر کلمه؛ مانند هاء و یاء؛

۳- خالی بودن حروف از اعجام.^{۲۴}

۴- نوشتن تاء تأنیث با تاء کشیده به جای هاء.

۵- عدم نگارش فتحه کشیده با الف در وسط کلمه (اما الف را در انتهای کلمات می‌توان مشاهده کرد) (منجد، ۱۹).

مطالعه نقوش و مکتوبات عربی جاهلی و همچنین قرن نخست هجری می‌تواند نشان‌دهنده قواعد نگارش خط عربی در زمان کتابت مصاحف باشد، و همچنین



نشان دهد که تا چه اندازه این پنج خصوصیت خط نبطی در عربی آن روزگار حفظ شده است.

غانم قدوری الحمد در مقاله‌ای، تشابه برخی از خصوصیات املائی عربی در تعدادی از نقوش عربی پیش از اسلام (همچون نقش نماره، نقش حران، نقش جبل اسیس) و پس از اسلام (نقش قاهره، نقش طائف، نقش حفنة الابيض) را با املائی مصاحف کهن قرآنی نشان داده است که نتایج بررسی‌های وی بدین شرح است:

۱- خالی بودن هر دو از شکل و نقط (وی نقاط اعجام موجود در مصاحف را مربوط به زمان پس از نصرین عاصم لیبی (یعنی پس از سال ۹۰ هجری) می‌داند و در اصالت نقطه‌های موجود در نقش سد الطائف هم تردید می‌کند).

۲- غایب بودن الف میانی در کلمات.

۳- رسم تاء تأنیث به هر دو شکل هاء و تاء کشیده.

۴- شکسته شدن حروف کلمه در یک سطر (کتابت ناگسسته).

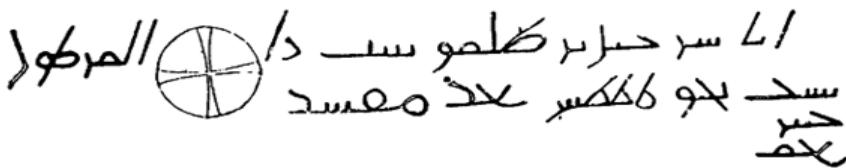
۵- تشابهاتی در رسم همزه (غانم قدوری، موازنة بین رسم المصحف و نقوش العربية القديمة، ۳۵-۴۲).

اما کهن‌ترین مصاحف قرآنی به‌جا مانده از سده‌های نخست پس از اسلام، در دو مورد با این نتایج موافق نیستند:

نخست اینکه این مصاحف به تمامی از الف میانی در کلمات خالی نیستند، بلکه می‌توان الف میانی را در جای‌جای این مصاحف مشاهده کرد. اما وجود الف میانی در کلمات یا عدم وجود آن از هیچ الگوی خاصی پیروی نمی‌کند؛ هرچند که برخی از علمای رسم سعی در دسته‌بندی و تعلیل موارد حذف الف میانی داشته و آن را به سه دسته حذف اشاره، حذف اختصار و حذف اقتصار تقسیم کرده‌اند (ابن نجاح، ۱/۱۳۵). اما چنین دسته‌بندی‌هایی ناکارآمد است، بدین خاطر که کاتبان مختلف در گذاشتن الف میانی کلمات هماهنگ عمل نکرده‌اند؛ نه تنها کاتبان مختلف، بلکه گاه حتی کار یک کاتب واحد در یک مصحف واحد را نیز نمی‌توان با موارد فوق تطبیق داد، یا اینکه برای تطبیق آن باید دچار تکلف فراوان شد.

دوم آنکه کهن‌ترین مصاحف قرآنی دارای نقاط اعجام بر روی برخی حروف هستند که در موارد بسیاری، این نقطه‌ها با همان جوهر و قلم خط اصلی گذاشته شده‌اند؛ یعنی کاتب در هنگام کتابت، برخی حروف را از حروف هم‌سان‌نوشت آن متمایز کرده است. اما چنین نقطه‌هایی به‌ندرت و بی هیچ الگوی خاصی بر روی برخی از حروف استفاده می‌شده است. تلاش‌هایی برای یافتن الگوی قرار گرفتن این نقطه‌ها در برخی از متون عربی به‌جا مانده از قرن نخست و حتی قرون بعدی، یعنی قرن دوم و سوم صورت گرفته است که البته ناکارآمد و ناکافی است.^{۲۵}

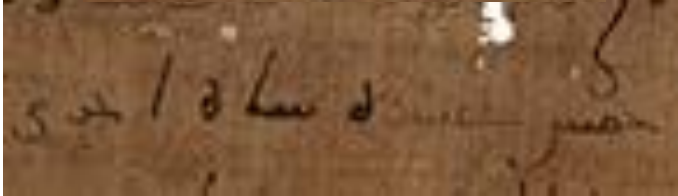
به‌نظر می‌رسد مواردی که توسط غانم قدوری بررسی شده‌اند، دو خصوصیت بالا را توجیه نمی‌کنند. اما اکتشافات اخیر باستان‌شناسی در شبه جزیره عربستان، متون بیشتری را برای مطالعه قواعد رسم‌النخط و املا در سنین حول و حوش کتابت مصاحف در اختیار ما قرار داده است. دیدیم که نقوش جاهلی پیش از اسلام تا حد زیادی از قواعد خط نبطی پیروی می‌کنند. مثلاً در نقش حرآن به تاریخ ۵۶۸ میلادی که متنی عربی و به خط عربی است، این پنج ویژگی نبطی حفظ شده است؛ مانند نبودِ نقاط اعجام، غایب بودن الف به‌عنوان صدای بلند آ در وسط کلماتی چون «طلمو» و «بعم»، همچنین کتابت کلمه «سَنَة» به‌شکل «سَنَت» با تای کشیده.



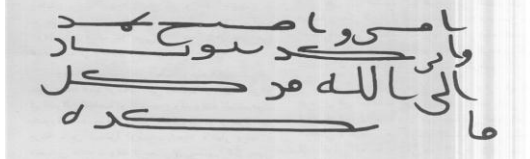
نقش حرآن، ۵۶۸ میلادی^{۲۶}

اما در نقوش مربوط به قرن نخست هجری که به تازگی کشف شده، و همچنین پایروس‌های به‌جا مانده از سده اول هجری، اندک‌اندک تخطی از این قواعد را می‌بینیم. مهم‌ترین مشخصه برخی از این مکتوبات، وجود الف میانی در برخی از کلمات است که در نقوش جاهلی به کل غایب بود. در پایروسی تاریخ‌دار به سال ۲۲ هجری، که به دو زبان عربی و یونانی نوشته شده است،^{۲۷} دو کلمه «شاة» و «ثقلاه» را با الف میانی می‌بینیم، اما کلماتی همچون «اصحبه»، «کثبه» و «جمدی»

همچنان با املای ناقص کتابت شده‌اند. در این پایروس کلمه «سنة» نیز بر خلاف نقش حرّان، با هاء مدور نوشته شده است، نه تاء کشیده.



کلمه «شاة» و «ثقلاه» با الف میانی در پایروس PERF 558 موزه ملی اتریش، وین^{۲۸} یا اینکه در کتیبه کوه سلع (حمیدالله، ۴۲۷-۴۳۲) می‌توان الف میانی را در کلمات «یتوبان/ یتضرعان/ یتورعان» ملاحظه کرد.



کتیبه کوه سلع نزدیک به مدینه النبی^{۲۹}

در کتیبه زهیر که کهن‌ترین کتیبه تاریخ‌دار و متعلق به سال ۲۴ هجری است (الغبان، ۲۱۰-۲۳۷) نیز می‌توان کلمه «سنة» را با تاء مدور مشاهده کرد. همچنین تعدادی حروف با نقطه‌های اعجاز نیز قابل مشاهده هستند که نشان از قدمت استفاده از نقطه‌های اعجاز در نخستین سال‌های پس از ظهور اسلام و حتی پیش از

زمان استنساخ مصاحف عثمانی دارد. البته استفاده از نقطه‌های اعجام تنها منحصر به سنگ‌نبشته‌ها نیست، مستندات دیگری بر روی پاپیروس مربوط به نیمه نخست قرن اول هجری نیز در دست است که کاربرد نقاط اعجام را در نخستین سال‌های آغاز اسلام نشان می‌دهد. از آن جمله می‌توان به پاپیروس تاریخ‌دار مربوط به سال ۲۲ هجری که اکنون در کتابخانه دولتی آلمان (Staatsbibliothek) در شهر برلین، به شماره Papyrus Berol. 15002 محفوظ است، اشاره کرد. در این پاپیروس حرف «ن» نقطه‌گذاری شده است. در پاپیروس وین، PERF 558، به تاریخ ۲۲ هجری که پیش‌تر به آن اشاره شد، نیز نقطه‌های اعجام بر روی حروفی همچون «ن، ج، خ، ذ، ز و ش» قابل مشاهده است.

دیدیم که هم در مصاحف کهن و هم در نوشته‌های به‌جا مانده از قرن نخست هجری، الف میانی در کلمات، استفاده از نقاط اعجام و تاء تأنیث به شکل تاء مدور یا کشیده، به صورت اندک و بدون هیچ‌الگوی توزیع مشخصی وارد شده است.



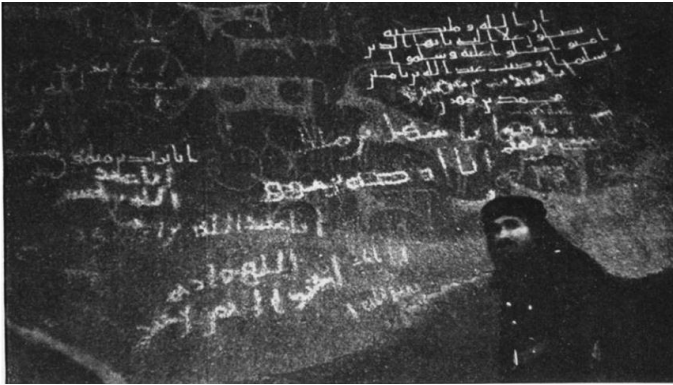
اناذهیر کسب ذم زینوف و عنتد نر
سه الله
عمر سنه ادبلاغ

کتیبه زهیر، سال ۲۴ هجری^{۳۰}

اما در سنگ نبشته اسوان (آبوت، ۱۸؛ الغبان، ۲۱۶) که تاریخ آن پس از کتیبه زهیر و متعلق به سال ۳۱ هجری است، باز هم کلمه «سنه» با تاء کشیده و به صورت «سنت» نگاشته شده است و در آن هیچ اثری از نقطه‌های اعجام و الف میانی نیز مشاهده نمی‌شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَعَلٰى اٰلِهِٖ وَرَحْمَةً كَثِیْرَةً
 وَاجْعَلْهُ لِقَائِكَ اَمْرًا
 مَّحْمُوْدًا
 لِحَدِيْثِ
 حَرَمِ رَسُوْلِكَ
 وَ
 مَلِكِ

کتیبه اسوان (یا نقش قاهره) به تاریخ ۳۱ هجری^{۳۱}
 در کتیبه‌ای کوفی بر روی سنگ در غرب طائف (مایلز، ۲۳۶-۲۴۲)، نکات
 جالبی از قواعد املا را می‌توان دید؛ از جمله کتابت «علی» با الف ممدود به صورت
 «علا» و کتابت «یا ایها» به صورت «یا ایها» و «ملائکة» به صورت «ملئکة».



کتیبه کوفی بر روی سنگ در غرب طائف

۱. اِنَّ اللّٰهَ وِ مَلٰئِكَتَهٗ
۲. یصلّونَ عَلٰ التَّبِیِّ یَاٰیْهَا الذِّیْنِ
۳. اٰمَنُوْا صَلّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا
۴. تَسْلِیْمًا وَكَتَبَ عَبْدُ اللّٰهِ بِن تَامِیْنِ(?)
۵. مُحَمَّدُ بِن مَهْرِن

متن کتیبه غرب طائف

در اینجا این سخن فرآء که «أنهم لا يكادون يستمرون في الكتاب على جهة واحدة»؛ «کاتبان نخستین مصاحف به یک شیوه واحد عادت به کتابت قرآن نداشتند» معنایی واضح‌تر می‌یابد؛ چرا که دیدیم که هجای برخی کلمات، چه در نگارش قرآن و چه غیر آن، ماهیتی متغیر و سیال دارد. برای نمونه، کاتبان با الف میانی به‌عنوان صدای بلند /آ/ آشنایند، اما گاه آن را به‌کار می‌برند و گاه نه. یا اینکه هر دو گونه از کتابت «شیء» و «شائ» یا «علی» و «علا» را می‌شناسند و در استفاده از هر یک از این گونه‌ها مرددند. باز هم همین روند در خصوص استفاده از نقاط اعجم در کتابت عربی آن روزگار به‌کار می‌رفته است؛ یعنی به‌رغم آشنایی کاتبان با کاربرد نقطه‌های اعجم حروف، این نقاط را گاه‌به‌گاه و به‌ندرت بر روی برخی از حروف، بی‌هیچ الگوی خاصی استفاده می‌کرده‌اند.

علاوه بر این، موارد توجیه برخی از پدیده‌های رسم‌الخط عربی در آن روزگار نیز باز هم در سخنان فرآء دیده می‌شود. از فرآء نقل شده است که:

«انما كتبوا «الربا» في المصحف بالواو لأن أهل الحجاز تعلموا الخط من أهل

الحيرة، ولغتهم «الربو»، فعلموهم صورة الخط على لغتهم.» (هورینی، ۵۴)

«پیشینیان کلمه «الربا» را در مصحف با واو نوشته‌اند؛ چراکه اهل حجاز خط را

از اهل حیره آموخته‌اند و لهجه ایشان «الربو» است و آنها صورت خط را مطابق

لهجه خود به اهل حجاز یاد داده‌اند.»

غانم قدوری با دست‌مایه قرار دادن این سخن فرآء، دو دلیل مهم کاستی‌های نگارش و انحراف آن از تلفظ را، یکی تطور لغت در یک محیط معین و همراه نشدن کتابت با آن، و دیگری انتقال کتابت از یک محیط به محیطی دیگر که گاهی تلفظ کلمات در آن دو محیط متفاوت است، می‌داند (قدوری، رسم‌الخط مصحف، ۲۸۵).

نکته دیگری که در رسم مصاحف مشاهده می‌شود و باز هم گفته فرآء را تأیید می‌کند، این است که هرچند بنا به گفته ابوعمر و دانی، همواره کلمات «الصلوة»، «الزکوة»، «الربوا» و «الحیوة» در مصاحف با واو کتابت می‌شده‌اند (دانی، ۶۰)، اما جالب اینجاست که همین کلمات در صورتی که دچار تغییر شوند، مثلاً الف و لام ابتدایی آن برداشته شود، یا اینکه به کلمه‌ای اضافه شوند، وضعیت متفاوت خواهد



بود. در این صورت کاتب دیگر پایبند به صورت اصلی کلمه در زبان منشأ کتابت آن نیست و می‌تواند دو رویکرد را انتخاب کند:

یا آن را به شیوه کتابت قدیم با واو کتابت کند؛ همچون ﴿أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ﴾ (هود/۸۷) و ﴿عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (مؤمنون/۹).

و یا آن را مطابق لفظ با الف بنویسد؛ مانند ﴿صَلَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ﴾ (نور/۴۱) و ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ﴾ (اسراء/۱۱۰)؛ که ما هر دو صورت کتابت را در مصاحف متعدد می‌یابیم که در این مورد، باز هم کاتبان میان این دو رویکرد در نوسان‌اند.

نتیجه‌گیری

دیدیم بر خلاف آنچه کتاب‌های تألیف شده در رسم‌الخط و هجای مصحف نشان می‌دهند، استفاده از املاهای متفاوت در برخی از کلمات قرآن در سده‌های نخست اسلامی از یک قاعده معین پیروی نمی‌کرده است و موارد نقض فراوان از گزارش‌های موجود در این کتاب‌ها را امروزه می‌توان در نسخه‌های به‌جا مانده از سه قرن اول مشاهده کرد. از نسخه‌های سده‌های نخست برمی‌آید که اظهارات مؤلفان این کتاب‌ها که غالباً به حوالی قرن پنجم هجری و منطقه اندلس اسلامی، به‌ویژه مناطقی چون شاطبه، دانیه و بلنسیه مرتبط‌اند - که به گواهی ابن خلدون، به حکومت رسیدن مجاهد در شرق اندلس در آن سال‌ها باعث رونق علوم قرائات و رسم مصحف در آن دیار شد (ابن خلدون، ۱۷۳) - مبنی بر توافق بر سر هجای برخی از کلمات به‌گونه‌ای متفاوت در نقاط خاصی از متن قرآن، ادعایی غیر قابل اطمینان است. عدم تطبیق گزارش‌های کتاب‌های رسم‌الخط با نسخه‌هایی که امروزه در سه قرن نخست هجری تاریخ‌گذاری شده‌اند، ممکن است یا به این دلیل باشد که امثال ابوعمر و دانی مصاحف روزگار خود و زمانی نزدیک به حیات خود را توصیف کرده‌اند که تا آن زمان هجای مصحف به نوعی ثبات رسیده باشد، و یا اینکه شاید امروزه دسترسی ما به تنوع مصاحف سه قرن نخست بیش از آن چیزی بوده که مثلاً ابوعمر و دانی یا مهدوی در قرن پنجم هجری به آن دسترسی داشته‌اند. از طرفی مطالعه نقوش جاهلی و نقوش و نوشته‌های باقیمانده از سده نخست پس از اسلام نشان می‌دهد که کتابت مصحف در بسیاری از موارد رسم کلمات و حتی در اعجام حروف، مشابه این نقوش است و در هر دوی آنها می‌توان نوعی بی‌ثباتی در

به‌کار بردن شیوه‌ای خاص در هجای برخی از کلمات دید. با مشاهده شیوه عملکرد کهن‌ترین کاتبان به خط عربی، چه کاتبان متن مقدس قرآن و چه غیر آن، این سخن فرآء که کاتبان نخستین به یک شیوه واحد در هجاء کتابت نمی‌کرده‌اند، تأیید می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- ابن ندیم نیز در *الفهرست* کتاب‌های هجای مصاحف را جدا از کتاب‌های مربوط به اختلاف مصاحف فهرست کرده است. این کتاب‌ها عبارت‌اند از ۱- کتاب یحیی بن الحارث، ۲- کتاب ابن شیبب، ۳- کتاب احمد بن ابراهیم الوراق، ۴- کتاب یعقوب بن ابی شیبب (ابن ندیم، ۳۹).

۲- سیوطی مسأله هجاء و رسم مصحف را محدود به حذف و زیاده، همزه، بدل و وصل و فصل و آنچه که برای آن دو قرائت آمده است و در مصاحف بر اساس یک قرائت نوشته شود، محدود کرده است (سیوطی، ۱۴۷/۴).

۳- این نسخه یکی از قرآن‌های منسوب به امام علی علیه السلام در گنجینه قرآن‌های خطی آستان قدس رضوی است. این نسخه به خط مایل یا بر اساس طبقه‌بندی دروش به خط *Bla* است. سبک خط، قطع نسخه و اورتوگرافی آن بسیار کهن می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان آن را متأخر از قرن سوم و حتی دوم دانست. مطالعه این مخطوط در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد امکان‌پذیر است.

۴- این مخطوط قرآنی است منسوب به امام سجاد علیه السلام، محفوظ در موزه ملک تهران.

۵- دسترسی به تصاویر این مصحف از طریق سایت کتابخانه ملی آلمان امکان‌پذیر است:

http://orient-digital.staatsbibliothek-berlin.de/receive/SBBMSBook_islamhs_00024339

۶- متن تصویر عبارت است از «لا تقولن لشی».

۷- این نسخه توسط طیار آلتی قولاج چاپ فاکسیمیله شده است.

T. Altikulaç, *Al-Muşḥaf Al-Sharif: Attributed To 'Uthmān Bin 'Affān (The Copy At The Topkapi Palace Museum)*, 2007, Organization of the Islamic Conference Research Centre for Islamic History, Art and Culture: Istanbul (Turkey)

۸- برگه بُنهامز ۲۰۰۰ به نام حراجی که در آن فروخته شده است، نام‌گذاری شده است.

۹- متن تصویر چنین است: «فعلا الله توکلت».

۱۰- متن تصویر چنین است: «نصیبهم ان الله کان علا کل شای شهیدا* الرجال [قوا] مون

علا النسا بما فضل الله بعضهم علا بعض و بما».

۱۱- دسترسی به تصاویر برگه‌های آن از طریق سایت کتابخانه ملی آلمان امکان‌پذیر است.

۱۲- این نسخه توسط فرانسوا دروش و نويا نوسدا در سال ۲۰۰۱ چاپ فاکسیمیله شده است.



Déroche, F., and Noja Nosedá, S. (2001) *Le manuscrit Or. 2165 de la British Library. Fondazione Ferni Noja Nosedá Studi Arabo Islamici, Lesa [Sources de la transmission manuscrite du texte coranique, I: Les manuscrits de style hijá 'zī' : 2, i].*

13 - <http://corpuscoranicum.de/handschriften/index/sure/13/vers/38?handschrift=522>

۱۴- این نسخه در سال ۱۹۹۸ توسط فرانسوا دروش و نوبا نوسدا چاپ فاکسیمیله شده است.

Déroche F., and Noja Nosedá, S. (1998) *Le manuscrit Arabe 328 (a) de la Bibliothèque nationale de France. Fondazione Ferni Noja Nosedá Studi Arabo Islamici, Lesa [Sources de la transmission manuscrite du texte coranique, I. Les manuscrits de style hijá 'zī' : 1].*

۱۵- تصاویر این مخطوط در CD عرضه شده توسط سازمان یونسکو قابل مشاهده است.

این مخطوط به شماره ۴۶ در این CD قرار دارد.

Memorv Of The World: Şan'ā' Manuscripts, CD-ROM Presentation by UNESCO

۱۶- متن تصویر چنین است: «كان لرسول ان ياتي بايه الا باذن الله لكل اجل كتب يمحوه الله ما يشا ويثبت و عنده ام الكتب».

۱۷ و ۱۸- متن تصویر چنین است: «لكل اجل كتب».

۱۹- اطلاعات و تصاویر این مخطوط از طریق کتابخانه دیجیتال کتابخانه ملی آلمان در دسترس است:

http://orient-digital.staatsbibliothek-berlin.de/receive/SBBMSBook_islamhs_00024345

۲۰- مخطوطات موجود در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس از طریق کتابخانه دیجیتال آن

در آدرس زیر در دسترس است: <http://gallica.bnf.fr/>

۲۱- متن تصویر چنین است: "تمت كلمه ربك الحسنی".

۲۲- ۵۶ برگه از این مجموعه تحت شماره ۳۲۸a Arabe به همراه دو برگه دیگر، یکی

در کتابخانه وابسته به پاپ در واتیکان، و برگه دیگر در کلکسیون هنر اسلامی ناصر

خلیلی در لندن. همچنین ۲۶ برگه از مجموعه مارسل ۱۸ در کتابخانه ملی روسیه در

سن پترزبورگ بخشی از یک مصحف واحد هستند که دروش آن را مصحف پاریس-

پتروپلتین می نامد (دروش، ۱۷).

۲۳- از آن جمله نک: Gruendler B. *The Development of the Arabic Scripts.*

From the Nabatean Era to the First Islamic Century According to Dated Texts. 1993; Healey J.F. *Nabataean to Arabic: Calligraphy and Script Development Among the Pre-Islamic Arabs.* 1990-1991; Yardeni A. *Textbook of Aramaic, Hebrew and Nabataean Documentary Texts from the Judaeen Desert and Related Material.* A. The Documents. B. Translation, Palaeography, Concordance. 2000; Macdonald M.C.A. *ARNANab 17 and the transition from the Nabataean to the Arabic script.* 2009a; LaiLaNehmé. *A glimpse of the development of the Nabataean script into Arabic based on old and new epigraphic material.* 2010.

۲۴- البته شواهدی از وجود نقطه بر روی حرف «د» و گاه بر روی حرف «ر» در بسیاری از کتیبه‌های نبطی دیده شده است (لیلا نعمه، ۵۵).

25 -A. Kaplonv. "What Are Those Few Dots For? Thoughts On The Orthographv Of The Ourra Pāvri (709-710). The Khurasan Parchments (755-777) And The Inscription Of The Jerusalem Dome Of The Rock (692)", *Arabica*, 2008, Volume 55, pp. 91-112.

۲۶- متن نقش حرّان چنین است: «أنا شرحيل بن طلمو بنيت ذا المرطول سنة ٤٦٣ بعد مفسد خيبر بعام».

۲۷- این پایروس به شماره PERF 558 در موزه ملی اتریش Österreichische Nationalbibliothek در وین نگهداری می‌شود.

۲۸- متن عربی این پایروس چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما اخذ عبد الله ابن جبر واصحبه من الجزر من اهنس من خليفة تدارق ابن ابو قير الاصغر ومن خليفة اصطفر ابن ابو قير الاكبر خمسين شاة من الجزر وخمس عشرة شاة اخرى اجزرها اصحاب سفنه وكتبه وثقلاه في شهر جمدى الاولى من سنة اثنين وعشرين وكتبه ابن حديدو».

۲۹- متن کتیبه چنین است: «امسى و اصبح عمر و ابوبکر (یتوبان/یتضرعان/یتورعان) الى الله من كل ما يكره».

۳۰- متن کتیبه چنین است: «بسم الله أنا زهير كتبت زمن توفى عمر سنة أربع و عشرين».

۳۱- متن کتیبه چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا القبر لعبد الرحمن بن (خير) الحجري) اللهم اغفر له و ادخله في رحمة منك (و اینا) معه استغفر له اذا قرا هذا الكتب و قل آمين و كتب هذا الكتب في جمدى الاخر من سنت احدی و ثلاثين».

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ مقدمه، تحقیق عبدالله محد الدرویش، دمشق، دار يعرب، ۲۰۰۴م.
۳. جهنی اندلسی، ابن معاذ؛ البديع فی معرفة ما رسم فی مصحف عثمان، تحقیق غانم قدوری الحمد، بی‌جا، دار عمار للنشر و التوزیع، بی‌تا.
۴. ابن نجاح، ابوداود سلیمان؛ مختصر التبيين لهجاء التنزیل، تحقیق احمد بن عمر شرشال، مدینه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۲۱ق.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۰ش.
۶. خسروی، محمد علی؛ «شیوه تصحیح نسخه خطی قرآن اوقاف»، میراث جاویدان، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۵۵-۶۷.



۷. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید؛ المقنع فی رسم مصاحف الامصار مع کتاب النقط، تحقیق محمد الصادق قمحاوی، قاهره، مكتبة الكليات الازهرية، بی تا.
۸. دروش، فرانسوا؛ قرآن های عصر اموی، ترجمه مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۹۴ش.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ الإیتان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۰. فرآء، یحیی بن زیاد؛ معانی القرآن، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۸۳م.
۱۱. غانم قدوری، الحمد؛ رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش.
۱۲. غانم قدوری، الحمد؛ «موازنة بين رسم المصحف و نقوش العربية القديمة»، مجلة المورد، عدد خاص فی الخط العربی، المجلد الخامس عشر، العدد الرابع، وزارة الثقافة و الاعلام دار الشؤون الثقافية العامة، عراق، ۱۹۸۶، ۲۷-۴۵.
۱۳. منجد، صلاح الدین؛ دراسات فی تاریخ الخط العربی منذ بدايته إلى نهاية العصر الأموی، بیروت، دارالکتاب الجديد، ۱۹۷۹م.
۱۴. مهدوی، احمدین عمار؛ هجاء المصاحف الامصار، تحقیق: حاتم صالح الضامن، الامارات العربیة المتحدة، دار ابن الجوزی، بی تا.
۱۵. هورینی، نصرین نصر یونس؛ المطالع النصریة للمطابع المصریة فی الاصول الخطیة، اصول الكتابة و الاملاء، تحقیق طه عبدالمقصود، قاهره، مكتبة السنة، ۲۰۰۵م.
16. Abbott, Nabia. **The Rise Of The North Arabic Script And Its Kur'anic Development**, University of Chicago Press, 1939.
17. Altikulaç, Tayyar. **Al-Muşhaf Al-Sharif: Attributed To 'Uthmān Bin 'Affān (The Copy At The Topkapi Palace Museum)**, Organization of the Islamic Conference Research Centre for Islamic History, Art and Culture: Istanbul (Turkey), 2007.
18. Déroche, François and S. Noja Nosedā, **Le manuscrit Arabe 328 (a) de la Bibliothèque nationale de France**. Fondazione Ferni Noja Nosedā Studi Arabo Islamici, Lesa [Sources de la transmission manuscrite du texte coranique, I. Les manuscrits de style hijā_zī : 1], 1998.
19. Déroche, François and S. Noja Nosedā, **Le manuscrit Or. 2165 de la British Library**. Fondazione Ferni Noja Nosedā Studi Arabo Islamici, Lesa [Sources de la transmission manuscrite du texte coranique, I: Les manuscrits de style hijā_zī : 2, i], 2001.
20. Déroche, François **Qur'ans of the Umayyads, A First Overview**, Leiden, Brill, ("Leiden Studies in Islam and Society"), 2013
21. Ghabban, Ali ibn Ibrahim. (Trans. & Remarks by R. G. Hoyland), "The Inscription Of Zuhayr, The Oldest Islamic Inscription (24 AH/AD 644-645), The Rise Of The Arabic Script And The Nature Of The Early

- Islamic State", *Arabian Archaeology And Epigraphy*, 2008, Volume 19, pp. 210-237.
22. Gruendler, Beatrice. **The Development of the Arabic Scripts. From the Nabatean Era to the First Islamic Century According to Dated Texts.** (Harvard Semitic Studies, 43). Atlanta, GA: Scholars Press.1993.
23. Hamidullah, Muhammad. "Some Arabic Inscriptions of Medinah of the Early Years of Hijrah" *Islamic Culture*, vol. X 111, No. 4, October, 1939, pp.427-439.
24. Healey, John F. **Nabataean to Arabic: Calligraphy and Script Development Among the Pre-Islamic Arabs.** In J. Bartlett, D. Wasserstein & D. James (eds), *The Role of the Book in the civilisations of the Near East. Proceedings of the Conference held at the Royal Irish Academy and the Chester Beatty Library, Dublin, 29 June – 1 July 1988.* *Manuscripts of the Middle East* 5: 41–52. 1990-1991.
25. Hoyland, Robert. "New documentary texts and early Islamic state", *Bulletin of the school of oriental and African studies*, volume 69, issue 03, October 2006, 00395-416.
26. Kaplony, Andreas. "What Are Those Few Dots For? Thoughts On The Orthography Of The Qurra Papyri (709-710), The Khurasan Parchments (755-777) And The Inscription Of The Jerusalem Dome Of The Rock (692)", *Arabica*, 2008, Volume 55, pp. 91-112.
27. Macdonald, Michael C A. "ARNANab 17 and the transition from the Nabataean to the Arabic script". W. Arnold, M. Jursa, W.W. Müller & S. Procházka (eds), *Philologisches und Historisches zwischen Anatolien und Sokotra. Analecta Semitica In Memoriam Alexander Sima.* Wiesbaden: Harrassowitz. 2009a, PP. 207–240.
28. Miles, George C.. "Early Islamic Inscriptions Near Taif in the Hijaz" *Journal of Near Eastern Studies*, 1948, pp. 236-242.
29. Nehmé, LaiLa. "A glimpse of the development of the Nabataean script into Arabic based on old and new epigraphic material". M.C.A. Macdonald (ed.), *The development of Arabic as a written language.* (Supplement to the Proceedings of the Seminar for Arabian Studies 40). Oxford: Archaeopress, 2010, pp. 47–88.
30. Nöldeke, Theodor & Friedrich Schwally, Gotthelf Bergsträßer, Otto Pretzl, **The History of the Quran**, Edited and translated by Wolfgang H. Behn, Brill, Leiden.Boston, 2013.
31. al-Rāshid, Saad bin Abdulaziz. "Sadd al-Khanaq: an early Umayyad dam near Medina, Saudi Arabia", *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies*, Vol. 38, Papers from the forty-first meeting of the Seminar for Arabian Studies held in London, 19-21 July 2007 (2008), pp. 265-275.
32. Winnett, Frederick Victor. & William LaForest Reed, with contributions from J. T. Milik & J. Starcky, **Ancient Records From North Arabia**, University of Toronto Press: Toronto (Canada), 1970
33. Yardeni, Ada. **Textbook of Aramaic, Hebrew and Nabataean Documentary Texts from the Judaean Desert and Related Material. A. The Documents. B. Translation, Palaeography, Concordance.** (2 volumes). Jerusalem: Ben-Zion Dinur Center for Research in Jewish History, 2000.